

## تعرض برادران دوقلو به زن مسافر

برادران دوقلو که از مجرمان سابقه‌دار هستند به اتهام تعرض به دختری مسافر و سرقت اموالش بازداشت شدند و به جرم‌شان اعتراف کردند. به گزارش خبرنگار ما، ۱۵ فروردین‌ماه بود که دختر جوانی همراه پدرش وارد کلانتری ۱۴۴ تهرانپارس شد و پلیس را از اجرای سیاهی باخبر کرد.او گفت راننده و سرنشین یک خودروی سواری ال نود به او تعرض و طلاهایش را سرقت کرده‌اند.به علت حساسیت ماجرا تیمی از کارآگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران به دستور رئیس شعبه سوم دادگاه کیفری استان تهران مأمور رسیدگی به پرونده شدند.بعد از آن بود که دختر جوان جزئیات بیشتری از ماجرا را شرح داد. او گفت: ساعت ۲۱ شامگاه دوشنبه ۱۴ فروردین‌ماه در میدان نبوت منتظر رسیدن تاکسی بودم تا به فلکه اول تهرانپارس بروم.از تاکسی خبری نبود به خاطر همین وقتی یک خودروی ال نودسفید رنگ توقف کرد، فکر کردم که مسافری است به خاطر همین بعد از گفتن مسیرم سوار شدم. به جز راننده که مردی حدوداً ۳۰

ساله بود، جوان دیگری هم که شباهت زیادی با او داشت در صندلی شاگرد سوار بود.راننده بعد از طی کردن مسافتی کوتاه ناگهان تغییر مسیر داد.وقتی اعتراض کردم سرنشین صندلی جلو چاقو کشید و خودش را به صندلی عقب رساند. چاقو را زیر گلویم گذاشت و تهدیدم کرد که من را می‌کشد.بعد با تهدید چاقو به من تعرض کرد. لحظاتی بعد او جایش را به راننده داد و او هم... دختر جوان ادامه داد:بعد از آن بود که پول، طلاها و گوشی تلفن همراهم را سرقت کرده و در خیابان اتحاد من را از ماشین به بیرون تراب و فرار کردند.

بعد از مطرح شدن شکایت، تحقیقات برای شناسایی دو مجرم شیطان صفت به جریان افتاد. با اطلاعاتی که شاسکی در اختیار پلیس گذاشته بود شماره پلاک خودروی متهمان به شماره انتظامی ایران ۳۲\*۳۳\*\*۴۹ ی شناسایی شد. در اولین بررسی معلوم شد که خودرو به نام فردی ۶۰ساله است که ماشینش را در اختیار دو پسر دوقلوش به نام‌های حمیدو حامد ۳۰ساله قرار

#### سگ گله ناجی چوپان شد

مرد چوپان که سه روز در بیابان های شهرستان شاهرود گم شده بود، با کمک سگ گله پیدا شد. پنج‌شنبه هفته گذشته بود که به امدادگران هلال احمر شاهرود خبر رسید که چوپان سالخورده‌ای اهل روستای خیرآباد همراه گله به‌صحرای سم‌سفید رفته و دیگر برگشته‌است. در حالی که بررسی‌ها در جریان بود، خبر رسید که گله همراه دو قلابه از سگ‌ها به روستا بازگشته اما از چوپان و سومین سگ گله خبری نیست. بعد از آن بود که تیم‌های امداد شروع به جست‌وجو کردند. سه روز بعد از ناپدید شدن چوپان ۶۴ساله و در حالی که امدادگران در حال جست‌وجو بودند، ناگهان یک قلابه سگ خودشان را به آنها رساند و شروع به پارس کردن کرد. امدادگران وقتی متوجه شدند که این سگ سومین سگ گله است به دنبال حیوان رفتند و بعد از طی کرن چهار کیلومتر چوپان را که به علت خستگی از هوش رفته بود پیدا و به بیمارستان منتقل کردند. محمدعلی شیری، مسئول امداد نجات هلال احمر شاهرود توضیح داد: مرد چوپان بعد از بهبودوضعیت نسبی گفت: چند روز قبل هنگام چرای گوسفندها به خواب رفتم، وقتی بیدار شدم از گله و دو سگ خبری نبود. همراه سومین سگ که کنارم مانده بود به جست‌وجوی گله رفتم، اما راه را گم کردم تا اینکه با کمک سگ امدادگران من را نجات دادند.

#### تکرار سرقت مسلحانه از بانک در مشهد

یک روز بعد از اینکه سارق مسلحی به یک مؤسسه مالی در مشهد دستبرد زد، دو سارق مسلح از بانک صادرات این شهر سرقت کرد. سردار بهمن امیری مقدم، فرمانده انتظامی استان خراسان رضوی گفت: صبح دیروز دو پسر موتور سوار پس از توقف مقابل بانک صادرات، شعبه خیابان بهمن در بلوار خواجه ربیع، وارد بانک شدند و با تهدید اسلحه و تیر ۱۰ میلیون تومان سرقت کردند و گریختند. وی گفت تحقیقات برای شناسایی و بازداشت سارقان در جریان است. براساس این گزارش دو روز قبل هم یک سارق مسلح به شعبه مؤسسه ثامن در خیابان چمن دستبرد زده بود.



سرنشین خودروی پراید که راننده پژو را به علت تصادف جزئی به قتل رسانده بود، بازداشت شد. به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲۰ شامگاه پنج شنبه ۲۴ فروردین بود که دعای خونینی بین سرنشینان دو خودروی پژو ۲۰۶ و سواری پراید به مأموران کلانتری ۱۳ ولنجک گزارش شد.وقتی مأموران در محل حاضر شدند، معلوم شد راننده پژو که مردی ۳۲ساله به نام امید بود، مجروح و بعد از انتقال به بیمارستان فوت شده است. بعد از تأیید فوت امید بود که قاضی مرادی،بازپرس ویژه قتل به همراه تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی خود را به بیمارستان رساند. ارش، دوست مقتول که شاهد ماجرا بود، در شرح ماجرا گفت:سوار بر خودروی پژو ۲۰۶ در حال عبور بودیم که با یک سواری پراید تصادف جزئی کردیم. سرنشینان پراید پیاده شدند و ما حمله کردند. حادته خیلی سریع اتفاق افتاد. یکی از آن مایله به امید حمله کرد و ضربه‌ای به سر او زد که کشته شد. بعد از حادثه به سرعت فرار کردیم، اما من توانستم پلاک ماشین آنها را یادداشت کنم.

بعد از ثبت حرف‌های شاهد ماجرا، کارآگاهان با بررسی پلاک خودروی پراید متوجه شدند که مالک آن زنی جوان است، بنابراین محل زندگی او در محله

شده بودند و یکی از پنجره‌ها را نیز از لولا درآورده و سپس به خانه رفته بودند. خانه خیلی نامرتب نبود به همین دلیل مشخص بود آشنا هستند و جای طلا و جواهرات را می‌دانستند. او در خصوص میزان اموال سرتی گفت: آنها ۲ میلیارد طلا و جواهرات و چند ساعت طلاسرت کرده بودند که در این مدت ۲۰ سال زندگی مشترک آنها را خریده‌بودیم. ارزش جواهرات به نرخ روز ۴ تا ۵ میلیارد است. او در ادامه گفت: شش‌ماه قبل از سرقت، سعید سرایدار خاتمه‌مان بود که به دلایلی عذرش را خواستم و از آنجا رفته بود. روز حادثه بنا رصد دوربین‌های مدار بسته سارقان را شناسایی می کردم که یکی از آنها خیلی به سعید شباهت داشت و این سرنخشی شد تا مأموران سارقان را دستگیر کنند.

بعد از آن چند شکای دیگری از اعضای بانک شکایت

## حجرات

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵



مهندستی برادرم نقشه‌مان را اجرا کرده و اموال او را هم سرقت کردیم، اما فکرش را نمی‌کردیم که دستگیر شویم. حمید گفت من و برادر خانسه‌ای مجردی در شرق تهران داریم و احتمال می‌دهم که برادرم در آنجا مخفی شده باشد. با اطلاعاتی که حمید به پلیس داد کارآگاهان او را در مخفیگاهش بازداشت کردند. حامد هم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد. سرهنگ

## سارقان خانه پسر تاجر سرشناس ایران محاکمه شدند



کردند. سپس اکبر متهم ردیف اول در جایگاه قرار گرفت و گفت اتهاماتم را قبول دارم. به خاطر اینکه وضع مالی خوبی نداشتم و می‌خواستیم بدون زحمت پولدار شویم، تصمیم به سرقت گرفتیم. او در خصوص سرقت جواهرات از منزل گفت: وقتی سعید کلید خانه را داد شب حادثه سه نفری وارد حیاط شدیم. با خم کردن لولای در وارد خانه شدم و دوستانم در حیاط ایستادند. ساکی برداشتم و طلاها و جواهرات و چند ساعت طلا را همراه مقداری لباس در آن ریختم و بلافاصله خانه را ترک کردم. او در ادامه گفت: بعد از سرقت با یکی از دوستانم در شهرستان تماس گرفتم و او شخص طلافروشی را که در کوهدشت می‌شناخت به عنوان مالخر معرفی کرد. وقتی با ایرج تماس گرفتمیم قرار شد برای خرید طلاها به تهران بیایم. روز بعد ساک

جواهرات را سر قرار بردیم و او طلاها را به مبلغ ۷۳ میلیون و ساعت‌ها را به مبلغ ۱۴ میلیون خریداری کرد. سپس پول طلاها را بین خودمان تقسیم کردیم و نفری ۲۰ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به هر نفر رسید. در ادامه سه سه متهم دیگر به جایگاه حاضر شدند و با تأیید توضیحات اکبر ماجرا را شرح دادند. در ادامه جلسه ایرج به اتهام تحصیل مال نامشروع در جایگاه ایستاد و گفت: روزی که دوستم تماس گرفت، گفت چند جوان می‌خواهند مقداری طلا بفروشند تا با آن کاسبی را بیندازند. فکر نمی‌کردم طلاها سرقتی باشد، اما وقتی طلاها را دیدم از آنجایی که عیار آنها ۱۸ بود شک کردم، اما وسوسه شدم و آنها را خریدم. بعد از آخرین دفاع متهمان هیئت قضایی وارد شور شد.

### دعای خونین به خاطر تصادف ساده

**کنترل نکردن خشم منجر به شکل گیری بسیاری از پرونده‌های جنایی می شود**

علبان در خانه یکی از بستگانش در شهریار پنهان شده است و قصد دارد به شهری در شمال کشور فرار کند. کارآگاهان با در دست داشتن نیابت قضایی راهی شهریار شدند و صرر روز شنبه ۲۶ فروردین او را بازداشت کردند. عباس در اولین بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و در شرح ماجرا گفت: روز حادثه همراه علی برای تفریح به یام تهران رفتیم. در مسیر بازگشت بود که یک پژو ۲۰۶ از عقب به ماشین ما زد. علی از ماشین پیاده شد و داشت با راننده پژو حرف می‌زد. همان لحظه سرنشین پژو در حالی که چاقو داشت از ماشین پیاده شد و به طرف علی رفت تا او را درگیر شود. آن لحظه بود که علی از من کمک خواست و گفت که چاقو خورده‌بود. من هم برای کمک به علی پیاده شدم. کنار خیابان میله‌ای آهنی افتاده بود که آن را برداشتم و وارد در گیری شدم. هنگام دعواضربه‌ای زدم که به سر مقتول برخورد کرد. قصد کمک به او را داشتم که علی خودش را به پشت فرمان رساند و خواست که من هم سوار شوم. من هم از ترس سوار شدم و باهم فرار کردیم.

سرهنگ کار آگاه حمید مکرم، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات بیشتر از دو متهم در اداره دهم پلیس آگاهی تهران در جریان است.

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

**قطعه یک ایلام**

آقای محمدرضا مرادیبگی، فرزند داراب، به کد ملی ۴۵۰۱۰۷۰۹ به استناد رای شماره ۳۲۴۴-۱۰۱۰۰۳۱۵۰۳۱۵۰۳ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۹ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۹ شش‌دانگ یک باب ساختمان، به مساحت ۲۷۰/۷۸ متر مربع، پلاک شماره ۱۳۰۹ فرعی از ۱۳۴۹ اصلی، واقع در ایلام، میدان امام حسن، آسوپ ، خریداری شده از سعید بهادری و منتسب به مالکیت حاتم بهادری. در صورت تیکه اشخاص ذینفع به رای اعلام شده اعتراض داشته باشند می توانند ظرف مدت دو ماه و در مورد آگهی‌های اصلاحی طرف مدت یک ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی، اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض میادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد در اینصورت اقدامات ثبت موقوف به ارایه حکم قطعی دادگاه است در صورت تیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست را به دادگاه عمومی محل فرار ارائه نکند اداره ثبت محل میادرت به صدور سند مالکیت می نماید. صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

نوبت اول: ۹۶/۰۱/۲۸ صفری- رئیس اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان ایلام
نوبت دوم: ۹۶/۰۱/۱۲

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

**قطعه یک ایلام**

آقای نوروز شیرکول، فرزند شیرزاد، به کد ملی ۴۵۰۱۰۳۲۴۱ به استناد رای شماره ۳۲۴۸-۱۰۱۰۳۲۴۸-۳۱۵۰۳۱۵۰۳ مورخ ۱۳۹۵/۰۱/۳۰ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۳۰ شش‌دانگ یک باب ساختمان، به مساحت ۵۱/۳۸ متر مربع، پلاک شماره ۲۵۱ فرعی از ۱۴۱۰/۲ اصلی، واقع در ایلام، بلوار شهدای چالسر،ا کوجه عقیف، خریداری شده از گل نظری و منتسب به مالکیت بدالله عطارو محمود جیبیان و ولی اله بنبدی و اردشیر ملکی. در صورت تیکه اشخاص ذینفع به رای اعلام شده اعتراض داشته باشند می توانند ظرف مدت دو ماه و در مورد آگهی‌های اصلاحی طرف مدت یک ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی، اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض میادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد در اینصورت اقدامات ثبت موقوف به ارایه حکم قطعی دادگاه است در صورت تیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست را به دادگاه عمومی محل فرار ارائه نکند اداره ثبت محل میادرت به صدور سند مالکیت می نماید. صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

نوبت اول: ۹۶/۰۱/۲۸ صفری- رئیس اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان ایلام
نوبت دوم: ۹۶/۰۱/۱۲

#### سرقت خودروی شاسی بلند

#### برای فخر فروشی در عروسی خاله

مهندس جوان که برای فخر فروشی در مراسم عروسی خاله‌اش زن جوانی را ربوده و خودروی شاسی بلند او را سرقت کرده ماجرا را شرح داد. به گزارش خبرنگار ما، عصر روز ۲۱ فروردین ماه زن جوانی وحشت‌زده به اداره پلیس رفت و از پسر جوانی به اتهام آدم‌ربایی، سرقت طلاها و خودروی شاسی بلندش شکایت کرد.

شاکلی در توضیح ماجرا گفت: من کارمند دولت هستم و شوهرم نیز استاد دانشگاه است. امروز کنار خیابان داخل خودروی توسانم نشسته‌بودم که ناگهان پسر جوانی در خودرو را باز کرد و در صندلی عقب سوار شد. بلافاصله به او اعتراض کردم که چاقوی بزرگی به پهلویم فشار داد و تهدید کرد حرکت کنم. در حالی که به شدت ترسیده بودم از ترس شروع به رانندگی کردم. پسر جوان تهدید کرد به طرف جازرو در حرکت کنم.بعد در مکان خلوتی خواست توقف کنم.وقتی خودرو را نگه داشتم با ترس و لرز گفتم شوهرم استاد دانشگاه است و به خاطر آبرویم مرا رها کند، اما سارق مدعی شد که دختر مورد علاقه‌اش دانشجوی شوهر من است و شوهرم مزاحم او شده و از عکس‌های شخصی او سو استفاده کرده است، به همین دلیل مرا ربوده تا از شوهرم انتقام بگیرد. پس از این با گریه و التماس به دست پای سردآدم‌را اقدام تا اینکه تمامی طلاها و پول‌هایم را گرفت و ساعتی بعد در یکی از خیابان‌های خلوت شرق تهران مرا از خودروم به پایین انداخت و با سرقت خودروی خارجی‌ام به سرعت فرار کرد. پس از طرح این شکایت، پرونده به دستور قاضی علی وسيله ابرد موسی، باز پرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۳۴ در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

در حالی تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت که کارآگاهان با خبر شدند مأموران گشت پلیس در حوالی منطقه فرحزاد دو پسر جوان را با خودروی سرتنی شاکلی که برای دو دختر جوان مزاحمت ایجاد کرده بودند، دستگیر کردند. یکی از مأموران پلیس درباره نحوه دستگیری متهمان گفت: در خیابان فرحزاد در حال گشت زدن بودیم که دیدیم سرنشینان خودروی توسانی مزاحم دو دختر جوان شده‌اند. دختران جوان سوار خودرو ۲۰۶ خود شدند، اما سرنشینان خودروی شاسی بلند دست بردار نبودند. دو پسر جوان وقتی متوجه ما شدند، فرار کردند. در حالی که تعقیب و گریز ما ادامه داشت، خودروی متهمان در کوچه بن سستی گیر افتاد. دو پسر جوان در این لحظه خودروی سرتنی را رها کردند و وارد خانه‌ای در آن کوچه شدند که خوشبختانه به سرعت دستگیرشان کردیم. صبح دیروز دو متهم برای تحقیقات به دادسرای ناحیه ۳۴ منتقل شدند. متهم اصلی که فردین نام دارد در بازجویی‌ها مقابل قاضی ابرد موسی به آدم‌ربایی و سرقت اعتراف کرد. وی گفت: من دانشجوی ترم آخر مهندسی دانشگاهی در تهران هستم. هشت سال قبل پدر و مادرم از هم جدا شدند و من همراه مادرم زندگی می‌کردم. زندگی خوبی داشتم و در فروشگاه برده فروشی دایمی‌ام کاری می‌کردم. چند سال قبل در یکی از دانشگاه قبول شدم. موقع مالی ام روز به روز بهتر می‌شد تا اینکه با پسر خلافکاری دوست شدم. از آن روز به بعد مسیر زندگی‌ام تغییر کرد و من معتاد به مواد مخدر گل شدم. بعد از آن بود که دایمی‌ام از کار اخراجم کرد. وی درباره آدم‌ربایی و سرقت خودروی زن جوان گفت: هفته اول از پیشنهاد ماه عروسی خالام است. او و شوهرش وضع مالی خوبی دارند. من به خاطر اینکه شب عروسی پیش بستگام کم‌پول‌ورم، تصمیم گرفتم خودروی خارجی سرقت کنم و به همه بگویم خودروی خارجی خریدم. روز حادثه در حال عبور از خیابان بودم که دیدم زن جوانی سوار خودرو شاسی‌بلند گرافتمتی شد. بلافاصله تصمیم گرفتم خودرواش را سرقت کنم. به همین دلیل سوار خودرواش شدم و با تهدید چاقو خودرو و طلاهایش را سرقت کردم. در این چند روز با خودروی سرتنی پیش دوستان و بستگام فخر می‌فروختم تا اینکه شامگاه ۲۶ فروردین دوستم را سوار خودرو کردم و برای کشیدن قلیان به فرحزاد رفتم. پس از کشیدن قلیان و تفریح داخل خیابان دور دور می‌کردیم که چشمم به دو دختر جوان که سوار خودروی پژو بودند افتاد. به آنها نزدیک شدم و خواستم با آنها کورس بذارم که مأموران پلیس دستور ایست دادند و ما هم فرار کردیم. دوست متهم در بازجویی‌ها گفت: من بی‌گناه هستم و اصلاً خبر نداشتم دوستم خودرو را سرقت کرده است. دو متهم برای تحقیقات بیشتر به دستور قاضی علی وسيله ابرد موسی در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.



#### مرد افغان قتل زن تنها را اتکار کرد

افغان غیرمجاز که متهم است پنج سال قبل بعد از قتل زنی بی گناه جسدش را در یکی از باغ‌های دماوند دفن کرده بود، در جلسه محاکمه جرمش را انکار کرد. به گزارش خبرنگار ما، شاپرویس ۹۰ پسر نوجوانی مأموران پلیس دماوند را از ناپیدی شدن ناگهانی مادر ۳۰ ساله‌اش باخبر کرد. او گفت: روز گذشته وقتی از مدرسه برگشتم، مادرم در خانه نبود و تلفن همراهش را نیز پاسخ نمی‌داد. من همراه مادر و خواهرم زندگی می‌کنم و برای یافتن او در خواست کمک دارم. هشت ماه بعد از وقوع حادثه بود که جسد این زن در یکی از باغ‌های شهرستان دماوند کشف شد.

بررسی تماس‌های تلفن همراه مقتول، حکایت از این داشت که وی از مدتی قبل با نگهبان باغ که افغان ۳۵ساله‌ای به نام یاسر بود، تماس داشته است. بنابراین آن مرد که تبعه افغان بود به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفت و مشخص شد هم‌زمان با ناپیدی شدن زن جوان، او به افغانستان گریخته است. چهار سال بعد از وقوع حادثه و در حالی که تالش‌های بازداشت مرد افغان ناکام مانده بود، مأموران پلیس سرانجام او را در حالی که قصد ورود غیرقانونی به کشور داشت، بازداشت کردند. او در بازجویی‌ها قبول کرد که با مقتول رابطه داشته اما قتل را انکار کرد. بازپرس با توجه به اسناد کافی در ارتکاب قتل، مرد افغان را مجرم شناخت و پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

روز گذشته جلسه محاکمه به ریاست قاضی زالی و مستشار اسلامی تشکیل شد. متهم وقتی در جایگاه قرار گرفت، جرمش را انکار کرد و گفت: گذرنامه را از افغانستان خریده بودم که وارد ایران شدم. او در ادامه در پاسخ به سوآلات هیئت قضایی گفت: حدود چهار ماه نگهبان ایلام بودم و قبل از ناپیدی شدن آن زن به خواست صاحبکارم آن باغ را ترک کردم و به محلی دیگر رفتم. او در مورد فرارش به افغانستان گفت: من قصد فرار نبود و به خاطر عمل جراحی مادرم به افغانستان برگشتم تا او را ببینم. در ادامه رئیس دادگاه گفت: تحقیقات نشان داده که مادرت تا حالا عمل جراحی نداشته است که متهم سکوت کرد.

در آخر، هیئت قضایی بعد از آخرین دفاع متهم وارد شور شد.